



## فهرستواره دستنوشته‌های ایران

علی صفایی

فهرست مشترک نسخه‌های خطی فارسی پاکستان در چهارده جلد (اسلام‌آباد، ۱۳۶۲ - ۱۳۷۵ خ) ۳. فهرستواره کتابهای فارسی در ده جلد [تاکنون] (تهران، ۱۳۷۴ - ۱۳۸۶ خ).

آثار فارسی شناسانده‌شده در هر سه این فهرست‌ها به صورت «زبانی - موضوعی» تنظیم شده است؛ بدین مفهوم که متون و نسخه‌های فارسی به گروه‌های موضوعی بخش‌بندی شده و آثار هر کدام از دانش‌ها در ذیل بخش‌های جداگانه و همراه با آثار مرتبط با آن موضوع به ترتیب الفبایی نام آن‌ها درج شده است. در میان سه عنوان پیش‌گفته، فهرست دوم فقط به نسخه‌های فارسی موجود در کشور پاکستان اختصاص یافته اما دو فهرست دیگر حاوی مشخصات نسخه‌های فارسی کتابخانه‌های دنیا - البته با توجه به منابع مؤلف در روزگار تألیف این فهرست‌ها - بوده است.

کاری مشابه با کار استاد منزوی منتها برای نسخه‌های عربی موجود در کتابخانه‌های ایران توسط دکتر سید محمدباقر حجتی با عنوان فهرست موضوعی نسخه‌های خطی عربی کتابخانه‌های جمهوری اسلامی ایران سال‌ها پیش آغاز شد و چنانکه از عنوان فهرست برمی‌آید، این مجموعه دارای تنظیم «زبانی - موضوعی» است. تا جایی که نویسنده این سطرها می‌داند، چهار جلد از این اثر منتشر شده است که عبارتند از: ۱. علوم قرآنی (بخش اول: قرائت و تجوید) ۲. علوم قرآنی

فهرستواره دستنوشته‌های ایران (دنا)، به کوشش مصطفی درایتی، تهران: کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۹.

یکی از آرزوهای بزرگ پژوهشگرانی که در زمینه نگارش‌های دوره اسلامی به تحقیق می‌پردازند دستیابی به فهرستی مشترک از مجموعه نسخه‌هایی است که از نگارش‌های دوره اسلامی استنساخ شده و در کتابخانه‌های جهان پراکنده است. با دستیابی به چنین فهرستی افزون بر اینکه عمده متون دوره اسلامی شناخته می‌شود، کسانی هم که قصد تصحیح یک متن را دارند می‌توانند از مشخصات همه نسخه‌های آن اثر آگاهی یابند.

بزرگ‌بودن این آرزو و نبودن امکانات کافی برای برآورده‌شدن آن موجب شده است تا پژوهشگران و فهرست‌نویسان، نگارش فهرست‌های مشترک (درهم‌کرد یا ادغام‌شده) را با تعریف کردن محدوده‌های ویژه و کوچک‌تر تنظیم کنند. برای نمونه به دلیل اهمیتی که نگارش‌های زبان فارسی در ایران دارد، تنظیم فهرستی مشترک برای نوشته‌های فارسی در اولویت است. با همین هدف، سه فهرست مشترک بزرگ و ارزشمند توسط استاد احمد منزوی برای نگارش‌های این زبان فراهم آمد که عبارتند از: ۱. فهرست نسخه‌های خطی فارسی در هفت مجلد (تهران، ۱۳۴۸ - ۱۳۵۳ خ) ۲.



فهرست مشترک کم‌تر باشد، آن فهرست فراگیری بیشتری خواهد داشت و معمولاً سودمندتر خواهد بود؛ اما دشواری‌های تدوین چنان فهرستی به همان اندازه افزایش می‌یابد. همچنین زمان نگارش یک فهرست مشترک نیز در سودمندی آن مؤثر است چرا که هرچه منابع افزایش می‌یابد، امکان لغزش در فهرست مشترک کاهش می‌یابد و ضمناً آمار هر کدام از نتایج برای کاربران بیشتر خواهد شد.

از معدود فهرسی که به صورت عمومی و بدون در نظر گرفتن هیچ معیاری در زمینه دست‌نویس‌های دوره اسلامی تألیف شده، معجم التاریخ التراث الاسلامی فی مکتبات العالم اثر علی الرضا قره‌بلوط و احمد طوران قره‌بلوط است. این فهرست بر اساس نام مؤلفان دوره اسلامی تألیف شده که در ذیل نام هر مؤلف، نام آثار وی و مشخصات نسخه‌های موجود از آن درج شده است. در تنظیم این فهرست هیچ معیار محدودکننده‌ای در نظر گرفته نشده است؛ چنانکه آثار زبان‌های فارسی، ترکی، عربی و... را در کتابخانه‌های کشورهای مختلف در برمی‌گیرد. البته از نگارش این فهرست زمان نسبتاً زیادی می‌گذرد و منابع مورد استفاده در آن نسبت به امروز محدود است اما می‌توان گفت که فی الجمله فهرست مشترک بسیار سودمندی است.

آنچه یاد کردیم شامل برخی از مهم‌ترین نمونه‌های فهرست‌های مشترک بود که تاکنون — به‌ویژه در ایران — منتشر شده است؛ اما در اینجا قصد شناساندن فهرستواره دست‌نوشته‌های ایران را داریم که یکی از تازه‌ترین و مهم‌ترین فهرست‌های مشترکی است که تاکنون منتشر شده است.

چنانکه از عنوان اثر برمی‌آید، این فهرست مشترک برای شناسایی نسخه‌های شناخته و فهرست‌شده موجود در کتابخانه‌ها و مجموعه‌های ایران تدوین شده است. البته به دلیل درج مشخصات نسخه‌های فهرست میکروفیلم‌های کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران و همچنین نشریه نسخه‌های خطی، شمار قابل توجهی از نسخه‌های بیرون از ایران نیز در این فهرست مشترک شناسانده شده است. در تنظیم این فهرست هیچ‌گونه معیار زبانی یا موضوعی در نظر گرفته نشده است و لذا معیار محدودکننده‌ای در آن وجود ندارد جز اینکه مختص نسخه‌های موجود در ایران است.

(بخش دوم: تفسیر «۱») ۳. علوم قرآنی (بخش دوم: تفسیر «۲») ۴. علوم قرآنی (بخش دوم: تفسیر «۳»). نمی‌دانیم که دلیل توقف این کار ارزشمند چه بوده است اما امیدواریم که بخش‌های دیگر آن — اگر نگاشته شده — به چاپ برسد چرا که این اثر از دیدگاه تحلیلی سودمندی‌هایی دارد که در آثار مشابه دیده نمی‌شود.

کار دیگری که در زمینه تألیف فهرست مشترک نسخه‌های خطی عربی ایران انجام شده، فهرستی است با عنوان التراث العربی المخطوط فی مکتبات ایران العامه که توسط سید احمد حسینی اشکوری تنظیم و در ۱۴ جلد منتشر شده است (قم، ۱۳۸۸ خ). این فهرست به صورت الفبایی نام تألیفات تنظیم شده و در پایان نیز نمایه‌هایی چون نمایه موضوعی به دست داده شده است. متن این فهرست مشترک به زبان تازی است.

در زمینه تنظیم فهرست مشترک برای آثار تألیف شده به زبان عربی، در بیرون از ایران نیز البته کارهای مستقلی انجام شده که از جمله آن‌ها می‌توان به تاریخ ادبیات عربی نوشته کارل بروکلمان و تاریخ نگارش‌های عربی اثر فؤاد سزگین یاد کرد که تألیف این دومی همچنان ادامه دارد. هر دو این فهرس به آلمانی تألیف شده و البته ترجمه‌هایی از آن‌ها به عربی نیز به انجام رسیده و چاپ شده است. نیز گفتنی اینکه چهار جلد نخست از تاریخ نگارش‌های عربی به زبان فارسی ترجمه و با همین عنوان منتشر شده است.

جز این فهرست‌های مشترک که مهم‌ترین معیارشان در تنظیم آثار، معیار زبانی است، برخی فهرس مشترک هم بر پایه معیارهای موضوعی تدوین شده است. از جمله این آثار می‌توان به الذریعه الی تصانیف الشیعه، اثر شیخ آقابزرگ تهرانی اشاره کرد که در ۲۵ جلد به نگاشته‌های شیعه اختصاص یافته است. تنظیم این فهرست بر پایه عنوان آثار بوده است. البته با توجه به ماهیت اثر می‌توان گفت که این فهرست دارای کاربرد رجالی نیز هست. همین‌گونه است فهرستگان نسخه‌های خطی حدیث و علوم حدیث شیعه، نگاشته علی صدراپی خویی که خود این فهرست، بخش‌بندی‌های تخصصی دیگری در درون خود دارد.

باید توجه داشت که هرچه معیارهای محدودکننده در یک

۱. از آنجا که فهرست‌های مشترک عمدتاً بر پایه فهرست‌های چاپ‌شده گردآوری می‌شوند، روشن است که منابع این آثار همانا «فهرست‌ها» است.

گفت‌وگویی ما خالی از مشکلات و معایب هم نیست و این موارد آنگاه جلوه‌گر می‌شود که پژوهشگر به صورت دقیق به بررسی نسخه‌های یک اثر می‌پردازد و شاید حتی بتوان گفت که این مشکلات فراوان است؛ با وجود این باید گفت که بیشتر پژوهشگران و آشنایان با مقوله متون که از این فهرستواره بهره‌بر گرفته‌اند بر این نکته اذعان دارند که فواید فراوان این اثر بر معایب موجود در آن می‌چربد و بسیاری از مشکلات پژوهشگران در زمینه نسخه‌یابی را مرتفع می‌سازد.

صفحه‌آرایی و چاپ چشم‌نواز اثر و همچنین جلد خوب آن را نیز باید از ویژگی‌های این فهرست مشترک به شمار آورد؛ ویژگی مهمی که در سال‌های اخیر از سوی بسیاری از ناشران بدان کم‌توجهی شده و کم‌تر شاهد چاپ‌های فنی و هنرمندانه از کتاب‌ها — و به‌ویژه در فهرس — بوده‌ایم.

#### کتابنامه:

- تاریخ نگارش‌های عربی (۴ ج)، فؤاد سزگین، ترجمه‌ی مهران ارزنده و شیرین شادفر، به‌ویراستاری احمد رضا رحیمی ریس، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰ خ.
- التراث العربی المخطوط فی مکتبات ایران العامه (۱۴ ج)، السید احمد الحسینی، قم، انتشارات دلیل ما، ۱۳۸۸ خ.
- فهرستگان نسخه‌های خطی حدیث و علوم حدیث شیعه (۷ ج)، علی صدراپی خویی، قم، سازمان چاپ و نشر دارالحدیث، ۱۳۸۲ خ.
- ۱۳۸۴ خ.
- فهرست مشترک نسخه‌های خطی فارسی پاکستان (۱۴ ج)، تألیف احمد منزوی، اسلام‌آباد، ۱۳۶۲ - ۱۳۷۵ خ.
- فهرست موضوعی نسخه‌های خطی عربی کتابخانه‌های جمهوری اسلامی ایران (۴ ج)، دکتر سید محمدباقر حجّتی، تهران، سروش و سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۷۶ - ۱۳۷۰ خ.<sup>۲</sup>
- فهرست نسخه‌های خطی فارسی (۷ مج)، احمد منزوی، تهران، مؤسسه فرهنگی منطقه‌ئی، ۱۳۴۸ - ۱۳۵۳ خ.
- فهرستواره کتابهای فارسی (۱۰ ج)، احمد منزوی، تهران، انتشارات مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۷۴ - ۱۳۸۶ خ.
- معجم التاریخ التراث الاسلامی فی مکتبات العالم، إعداد علی الرضا قره‌بلوط و احمد طوران قره‌بلوط، قیصری [ترکیا]، دارالعقبه، بی‌تا.

ایران یکی از دو کشور نخست دنیا از دیدگاه دارابودن شمار بالای نسخه‌های خطی است. با توجه به این موضوع و با توجه به شمار فهرست‌های منتشرشده در ایران می‌توان گفت که کشور ما یکی از فعال‌ترین کشورها در زمینه فهرست‌نویسی نسخه‌ها بوده است. بنابراین می‌توان دریافت که تهیه فهرست مشترک برای نسخه‌های خطی موجود در ایران تا چه اندازه از اهمیت برخوردار است.

فهرست مورد گفت‌وگو به ترتیب الفبایی نام کتاب‌ها و رساله‌ها تنظیم شده و به همین دلیل جست‌وجوی یک اثر در آن آسان است. این گونه ویژگی‌ها در فهرس مشترک بسیار سودمند است. در ذیل هر اثر به مؤلف آن و دوره زندگی او اشاره شده و سپس نسخه‌های موجود از اثر به ترتیب تاریخ کتابت آن‌ها درج شده است. این ترتیب تاریخی نسخه‌ها، کاربران فهرست را یاری می‌دهد که به سرعت از کهن‌ترین دست‌نویس‌های اثر آگاه شوند. البته باید در این گونه جست‌وجوها به نسخه‌های بی‌تاریخ نیز جداگانه نظر افگند.

متن فهرست در ۱۰ جلد تنظیم شده است و پس از آن دو جلد دیگر به‌عنوان نمایه افزوده شده که یکی، یعنی جلد یازدهم، ویژه «مؤلفان دست‌نویست‌های ایران» است. در این جلد، نام مؤلفان به ترتیب الفبایی درج شده و در ذیل نام هر نویسنده به آثار وی و صفحه مربوطه در متن فهرستواره ارجاع داده شده است. دومین نمایه که جلد دوازدهم این مجموعه را تشکیل می‌دهد، ویژه «کاتبان دست‌نویست‌های ایران» است که فهرستی الفبایی از نام کاتبان با ارجاع به صفحاتی از فهرست است که دست‌نویس نوشته شده کاتب در آن معرفی شده است. این نمایه یکی از سودمندترین بخش‌های فهرست و مهم‌ترین و مبسوط‌ترین فهرستی است که تاکنون درباره کاتبان دست‌نویس‌ها منتشر شده است.<sup>۲</sup>

سودمندی عمده و اصلی فهرست مانحن‌فیه، شناسایی نسخه‌های موجود از هر اثر در ایران است؛ اما فواید دیگری نیز در آن دیده می‌شود. برای نمونه برخی از نسخه‌هایی که فهرست‌نویسان موفق به شناسایی آن‌ها نشده بودند در این فهرست با کنار هم قرار گرفتن اطلاعات فهرس دیگر شناسایی شده است.

البته نکته‌ای که ناگفته نباید گذاشت اینکه فهرست مورد

۲. اخیراً فهرستی با عنوان فهرست کاتبان نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، اثر خانم پریسا کرمرضایی منتشر شده است که جداگانه معرفی خواهد شد.

## دستور زبان فارسی: مقدمه قاموس المعارف

بهر روز محمودی بختیاری

دوازدهم؛

۳. دستورهایی که در هندوستان دوران اکبرشاه به دست ایرانیان مهاجر تألیف شده مانند میزبان فارسی یا بعضی قانونان فارسی جمال الدین حسین بن سید نورالله مرعشی شوشتری، جامع القواعد محمدقلی خان متخلص به محب، رساله‌ای در دستور زبان فارسی در هفده باب و بدون نام از شخصی به نام شیخ عبدالباسط، رساله‌ای در دستور زبان فارسی، بدون نام، از شخصی به نام نظام الدین احمد، مجموع القوانین از شخصی به نام امیر اسدالله، منظومه قواعد فارسی سروده کامتا پرشاد، قواعد فارسی روشن علی انصاری جونپوری، رساله علم النحو، حروف تهجی، جامع القوانین و شجرة الامانی همگی از مؤلفانی ناشناس، مخزن الفوائد یا خزانه الاصول محمد فائق بن غلام حسن، بدیع الصرف از کاووس خان، صفوة المصادر از محمد مصطفی خان بن محمد روشن خان، دستور پارسی آموز عبیدالله بن امین الدین احمد سهروردی، نهج الادب حکیم عبدالغنی خان رامپوری، و قند پارسی؛

۴. توضیحات موجود در مقدمه لغت نامه‌های فارسی، که حاوی اطلاعاتی درباره صرف و نحو فارسی است مانند مقدمه وسیلة المقاصد الی احسن المراد، رساله مشکل گشته فرهنگ شعوری یا لسان العجم، فرهنگ جهانگیری، برهان قاطع، فرهنگ رشیدی، فرهنگ نظام، هفت قلم و فرهنگ انجمن آرا؛

۵. دستورهایی که عمدتاً توسط مستشرقین اروپایی در اروپا منتشر شده‌اند، که فهرست جامع آنها را می‌توان در گزارش استاد ایرج افشار (۱۳۴۵) در مقاله «دستورهای سیصدساله برای زبان فارسی» دید؛

۶. دستورهایی که در اوایل قرن بیستم میلادی در ایران و کشورهای همجوار به وسیله ایرانیان و به زبان فارسی تألیف شده است. که فهرست و معرفی آنها به طور مبسوط در مقدمه لغت نامه دهخدا یافت می‌شود. از دستور پنج‌استاد به بعد

تألیف میرزا محمدعلی مدرس تبریزی خیابانی، به اهتمام حمیده حجازی. تهران: ۱۳۸۸

نگارش کتب دستور زبان فارسی عمدتاً به دست غیرفارسی‌زبانان صورت گرفته است و در مقایسه با سنت دستورنویسی مغرب‌زمین، سنت کهنی به شمار نمی‌رود. شاید این نکته ریشه در طرز تلقی خاص گذشتگان از دستور زبان داشته باشد، که عمدتاً آموزش دستور زبان را برای کسانی لازم می‌دانستند که بخواهند آن زبان را به عنوان زبان دوم بیاموزند؛ لذا کمتر اتفاق می‌افتاد که فارسی‌زبانان در ایران دست به تألیف دستور زبان فارسی بزنند. این نکته در مورد تدوین فرهنگ‌های فارسی هم صادق است، به طوری که عمده فرهنگ‌های مهم زبان فارسی در خارج از ایران و یا توسط غیرفارسی‌زبانان تدوین شده‌اند. اگر کتاب دستور زبان فارسی، معروف به دستور زبان پنج استاد تألیف استادان عبدالعظیم قریب، ملک الشعرا بهار، بدیع الزمان فروزانفر، جلال الدین همایی و رشیدیاسمی (۱۳۲۸ هجری شمسی) را نقطه آغاز دستورنویسی در ایران بدانیم، می‌توانیم دستورهای اولیه پیش از آن را به شش دسته تقسیم کنیم:

۱. کتاب‌هایی که مستقیماً برای دستور زبان نوشته نشده‌اند، ولی حاوی نکات دستوری‌اند مانند المعجم فی معاییر اشعار العجم شمس الدین محمد بن قیس رازی در قرن هفتم، یا لسان القلم در شرح الفاظ عجم عبدالقهار بن اسحق در قرن نهم؛

۲. دستورهایی که در دوره عثمانیان در آسیای صغیر نوشته شده‌اند که نویسندگان برخی از آنها را نمی‌شناسیم (مانند تاج العروس و غرة النفوس از احمد بن اسحق قیصری، رساله مشکل گشا و اقنوم عجم در قرن نهم، وسیلة المقاصد الی احسن المراد، تحفة شاهی، کتاب نحو فارسی، المثلة الفارسیه و التحفة الیهادیه و قواعد الفرس (اساس الفرس) در قرن دهم، و شرح مفاتیح الدریه فی قواعد الفرسی در قرن



۴. توضیح در باب «کلام و جمله»؛  
 ۵. و نهایتاً برخی نکات مربوط به نگارش و انشا.  
 خاتمه کتاب نیز به روش کار نویسنده در تدوین قاموس المعارف مربوط است و اطلاعاتی را در مورد نحوه یافتن کلمات در متن قاموس به دست می‌دهد.

آنچه از مطالعه کتاب در نخستین نظر جلب توجه می‌کند، اهتمام نویسنده آن بر مفهوم دسته‌بندی و سامان‌دهی انواع عناصر دستوری در زبان فارسی است. نویسنده با دقتی وسواس‌گونه در متن کتاب به ۵۵ گونه از «ادوات»، ۱۵ گونه از «اسماء»، ۱۰ گونه از «الفاظ»، ۲۰ گونه از «جملات»، ۱۷ گونه از «صفات» و موارد پرشمار دیگری پرداخته است، و به سبک و سیاق اسلاف خود برای هر مورد نمونه‌ای از نظم فارسی را هم به عنوان شاهد ذکر کرده است. ورود به حوزه اصطلاحات تخصصی دستوری این کتاب (که به نظر می‌رسد پیشنهادات نویسنده باشند) فرصت و مجال دیگری می‌طلبد، و در یک یادداشت کوتاه معرفی، قابل بحث نیست.

در انتهای نسخه تصحیح‌شده موجود، افزوده‌های مفیدی وجود دارد که کار خواننده را در مطالعه اثر تسهیل می‌کند: فهرست نام‌ها، اقوام و گروه‌ها، کتاب‌ها، شهرها و کشورها، ابیات به کاررفته در متن، مصرع‌ها و جملات نغز، و نهایتاً اصطلاحات دستوری موجود در کتاب. پایان‌بخش کتاب، واژه‌نامه‌ای از لغات نام‌نوس متن است، که به ترتیب حروف الفبا و با ذکر شماره صفحه حضور واژه‌ها تنظیم شده است.

کوشش خانم حمیده حجازی در تصحیح شایسته این دستور مفید، به همراه سپاس از ناشر این اثر، بر دوستداران دستور زبان فارسی فرض است. امید است که متن کامل قاموس المعارف نیز روزی انتشار یابد و نقطه تاریکی از تاریخ دایرةالمعارف‌نویسی معاصر روشن گردد. ■

نیز با دستور زبان‌هایی مواجهیم که در چهارچوب نظریات زبان‌شناسی نوشته شده‌اند و به اعتبار ذات «توصیفی» خود با دستورهای «تجویزی» و سنتی بالا تفاوت بنیادی دارند و به همین جهت موضوع بحث این یادداشت کوتاه نیستند.

اما کتاب دستور زبان فارسی که تألیف میرزا محمدعلی مدرس تبریزی خیابانی است و به اهتمام خانم حمیده حجازی منتشر شده است را می‌توان در گروه چهارم متون فوق‌الذکر قرار داد، چرا که در مقدمه متن کتابی به نام قاموس المعارف آمده است.

بنا بر مقدمه‌هایی که آقایان آیه‌الله جعفر سبحانی و دکتر مهدی محقق در ابتدای کتاب نگاشته‌اند، قاموس المعارف دایرةالمعارفی است متعلق به ۱۳۴۵ قمری در شش جلد و ۴۰۰۷ صفحه، که متن کامل آن تاکنون منتشر نشده است. نویسنده این اثر، میرزا محمدعلی مدرس تبریزی خیابانی (۱۲۹۶-۱۳۷۳ ق)، علاوه بر این کتاب، اثر دیگری به نام ریحانة‌الادب دارد، که در شرح حال علما و فضلا و فلاسفه است.

اما خود قاموس المعارف مجموعه‌ای مشتمل بر ۴۵۰۰۰ واژه متداول در فارسی و عربی و برخی زبان‌های اروپایی رایج در فارسی است، که نویسنده‌اش آن را در طی مدت هفده سال تدوین کرده است. در مقدمه این اثر، رساله مستقلی در ۱۸۴ صفحه قطع وزیری به دستور زبان فارسی اختصاص یافته، که متن تصحیح‌شده آن، موضوع کتاب مورد بحث ماست.

این کتاب ۵ «آیین» یا فصل و یک خاتمه دارد:

۱. حرکات و حروف (که اطلاعات آواشناختی فارسی را ارائه می‌دهد)؛

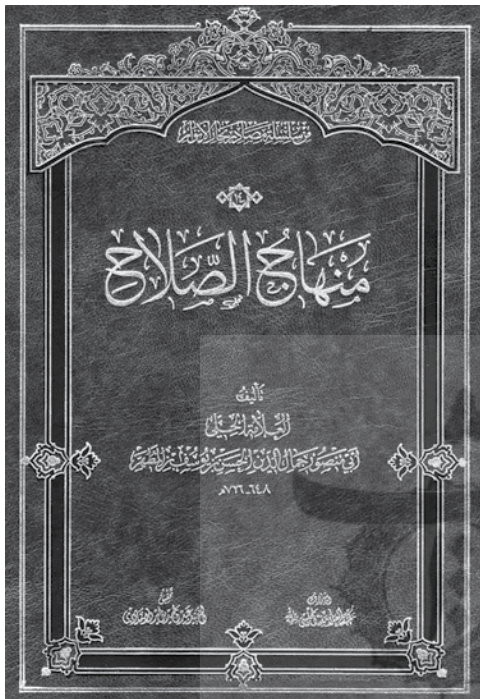
۲. تاریخ مختصری از زبان فارسی و آمیزش آن با دیگر زبان‌ها؛

۳. توضیح «کلمه»، مربوط به وصف اسم و فعل و حرف؛



## سه متن کهن شیعی از منشورات کتابخانه علامه مجلسی

ن. هـ. آ.



«کتابخانه علامه مجلسی»، عنوان مؤسسه‌ای انتشاراتی - تحقیقاتی است که در سال ۱۳۸۳ ش. در قم بنیاد گذاشته شد. نخستین طرح پژوهشی این مرکز، تصحیح و تحقیق منابع کتاب مشهور و مفصل بحار الانوار اثر علامه ملا محمدباقر مجلسی (د. ۱۱۱۰ ق) بود. از آنجا که بسیاری از مصادر و منابع بحار الانوار منتشر نشده و به صورت نسخه خطی باقی مانده بودند و یا با وجود چاپ و انتشار، تصحیحی معتبر از آنها وجود نداشت، کتابخانه علامه مجلسی کوشید تا این مصادر را با تصحیح و تحقیق شایسته چاپ و منتشر کند. عنوان مرکز نیز با توجه به این طرح انتخاب شده است.

کتابخانه علامه مجلسی تا کنون موفق شده است ۲۳ اثر از مصادر و منابع بحار الانوار را با تصحیح و تحقیق جدید، مقابله با نسخه‌های گوناگون، و فراهم آوردن فهرس فنی متعدد، به طرز چشم‌نواز چاپ و منتشر کند. در ذیل نگاهی می‌افکنیم به سه متن شیعی، که کتابخانه علامه مجلسی آنها را اخیراً در سلسله «مصادر بحار الانوار» منتشر کرده است.

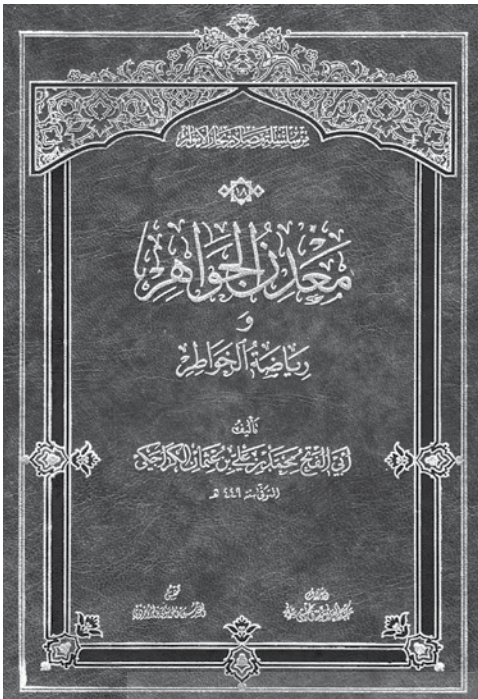
این باب در حوزه‌های علمی امامیه به «باب حادی عشر» شهرت یافته و با توجه به ایجاز و در عین حال گویایی آن، بسیار مورد توجه واقع شده و شروح و حواشی متعددی بر آن نوشته شده است. شهرت باب یازدهم منهج‌الصلاح موجب شد که صورت اصلی و کامل کتاب مغفول واقع شود، اما خوشبختانه اینک متن کامل کتاب همراه با تصحیح انتقادی «باب حادی عشر» در ضمن آن انتشار یافته است.

از وجوه اهمیت منهج‌الصلاح، اضافات علامه حلی نسبت به اصل و تغییراتی در ترتیب مطالب است. مهم‌تر از اینها، فتاوای فقهی متفاوت علامه حلی نسبت به فتاوای شیخ طوسی است که وی آنها را در لابه‌لای متن آورده است.

منه‌اج‌الصلاح فی اختصار المصباح، علامه جمال‌الدین حسن بن یوسف بن مطهر حلی (م. ۷۲۶ ق)، تحقیق: سید عبدالمجید میردامادی، قم، مکتبه‌العلامة‌المجلسی، ۱۴۳۰ ق. (سلسله مصادر بحار الانوار - ۱۴)

مصباح‌المتبهجد اثر مهم شیخ ابوجعفر طوسی (م. ۴۶۰ ق) است که از معتبرترین کتب ادعیه شیعه به شمار می‌رود و آثار متعددی به صورت شرح و تلخیص و ترجمه پیرامون آن شکل گرفته است. یکی از مهم‌ترین این آثار که تحت تأثیر مستقیم مصباح‌المتبهجد تألیف شده، منه‌اج‌الصلاح علامه حلی است که وی در آن مصباح‌المتبهجد را در ده باب تلخیص و تدوین کرده است. علامه حلی در تلخیص خود، باب یازدهمی در پایان کتاب افزوده که به ذکر اعتقادات امامیه اختصاص دارد.





معدن الجواهر و ریاضة الخواطر، ابوالفتح محمد بن علی بن عثمان کراچکی (م. ۴۴۹ ق)، تحقیق: سید حسین موسوی بروجردی، قم، مکتبه العلامة المجلسی، ۱۴۳۰ ق. (سلسله مصادر بحار الانوار - ۱۸)

ابوالفتح کراچکی از علما و محدثان مشهور شیعی در قرن پنجم است. کراچکی آثار متعددی تألیف کرده که از جمله آنها کتاب حاضر است. معدن الجواهر کتابی حدیثی است که کراچکی در آنها احادیث عددی را که به ذکر و تشریح خصلت‌های گوناگون با تقسیم‌بندی می‌پردازند گردآوری کرده است. ابواب کتاب، به ترتیب از احادیثی که به یک خصلت می‌پردازند آغاز می‌شود و به احادیث مربوط به خصلت‌های ده‌گانه پایان می‌یابد. این کتاب مجموعاً حاوی ۳۰۶ حدیث کوتاه و بلند است. نکته شایان توجه آن است که کراچکی این احادیث را به صورت مرسل نقل کرده و سلسله سند خود تا راوی اولیه را در آغاز احادیث نیاورده است. این امر می‌تواند نشانه آن باشد که کراچکی در تألیف این کتاب نسبتاً مختصر مخاطبان عام را مد نظر داشته است.

معدن الجواهر پیش از این دو بار به چاپ رسیده بود، اما چاپ حاضر به جهت مقابله با نسخ متعدد، فهرست‌های کارآمد و مصدربیابی روایات، بر چاپ‌های پیشین برتری دارد.

المجموعه الحديثية (مختصر بصائر الدرجات سعد بن عبدالله اشعری)، حسن بن سلیمان حلی عاملی (زنده در ۸۰۲ ق)، تحقیق: مشتاق صالح مظفر، قم، مکتبه العلامة المجلسی، ۱۴۳۰ ق. (سلسله مصادر بحار الانوار - ۱۷)

حسن بن سلیمان حلی عاملی از علمای شیعی قرن هشتم و نهم و شاگردان شهید اول است. وی مجموعه‌ای از احادیث را در کتابی گرد آورده که از دیرباز به مختصر بصائر الدرجات شهرت یافته است. با این حال باید دانست که مجموعه حدیثی گردآورده وی تنها اختصاری از کتاب بصائر الدرجات سعد بن عبدالله اشعری، راوی و مؤلف شیعی قرن سوم، نیست و حاوی احادیثی دیگر نیز هست که از دیگر کتب مشهور شیعه برگزیده شده است. با این حال، از آنجا که بخش عمده‌ای از این کتاب برگرفته از بصائر الدرجات اشعری است، به مختصر بصائر الدرجات مشهور شده است. شایان یادآوری است که کتاب بصائر الدرجات اشعری را که اینک نسخه کاملی از آن موجود نیست را نباید با کتاب مشهور بصائر الدرجات اثر صفار قمی یکی پنداشت.

مجموعه حسن بن سلیمان حلی مجموعاً حاوی ۵۸۵ روایت است که در آغاز هر یک سلسله سند و یا نام کتاب منقول عنه آمده است.

## کتاب الوحشیات

مصطفی ذاکری

موصل وفات یافته و گفته‌اند که او ۱۴ هزار ارجوزه از اراجیز عرب و تعداد کثیری قصیده و قطعه حفظ داشته و جز دیوان شعرش چند کتاب هم نوشته که مهمترین آنها دیوان الحماسه و نقاض جریر و رخطل و کتاب حاضر یعنی الوحشیات است. دیوان الحماسه و الوحشیات شامل گزیده‌های اشعار عرب در زمینه‌های حماسه — که مهمترین بخش و نخستین آنهاست — و مراثی و ادب و نسیب و تشبیب و هجا و سماحت و مهمانداری و صفات و پیری و لطائف و نکوهش زنان (هر کدام در ده باب) است.

نگارش کتاب الحماسه داستانی دارد بدین شرح که چون ابوتّمّام از نزد عبدالله بن طاهر، والی خراسان، برای بازگشت به وطن راهی عراق شد، در همدان برفگیر شد و راهها در اثر برف و بوران شدید مسدود گردید؛ ناچار در آن شهر ماند و یکی از افاضل همدان به نام ابوالوفا محمد بن عبدالعزیز او را در خانه خود پذیرفت و از او پذیرائی کرد و کتابخانه خود را که حاوی کتب شعرای مهم بود در اختیار او گذاشت و ابوتّمّام در مدتی که در آنجا بود اشعار منتخب خود را از این کتب استخراج و تحت عنوان دیوان الحماسه تدوین کرد که بعداً این کتاب به وسیله یکی از علما به نام ابوالعواذل دینوری از همدان به اصفهان برده شد و مورد اقبال دانشمندان آن دیار واقع گردید و شهرت یافت.

اما الوحشیات یعنی اشعار وحشی که مختصرتر از الحماسه است و اگرچه ممکن است در همان همدان فراهم شده باشد اما شهرت آن را نیافت. وحشی در عربی چند معنا دارد که یکی از آنها «جانور بیابانی فراری از مردم» است که «با مردم انس ندارد» مانند درندگان و غزال و گاو وحشی و غیره که این معنا در فارسی معروف است. معنی دیگر آن «نامأنوس و غریب» است که به خصوص به لغات نادر و کم کاربرد اطلاق می‌شود و در اینجا وحشی به معنای «اشعار ناشناخته و نامأنوس» است. ابوتّمّام در کتاب الحماسه معروفترین اشعار را گردآوری

کتاب الوحشیات، تألیف ابوتّمّام حبیب بن اوس طائی، به کوشش محمدرضا ابونئی مهریزی و وحید ذوالفقاری، با پیشگفتار احمد مهدوی دامغانی، میراث مکتوب، تهران، ۱۳۸۹. ۷۵ + ۲۶۵ + ۸ صفحه.

ابوتّمّام از شعرای بزرگ عرب در قرن دوم و سوم هجری (متوفی ۲۳۱ هـ) است که نه تنها خود شاعری توانا بود بلکه جامع اشعار شعرای دیگر هم بود که با حسن انتخاب خود گزیده‌ای از بهترین اشعار عربی را در زمینه حماسه و زمینه‌های دیگر جمع‌آوری نموده است و چون ذوق شاعری قوی داشته، انتخابات او طبعاً از میان بهترین و زیباترین اشعار بوده است.

پدر ابوتّمّام مسیحی و صاحب میخانه‌ای در دمشق بود و نامش ثادوس یا ثیودوس بود و چون ابوتّمّام به اسلام گرایید نام پدر خود را به «اوس» تغییر داد و نسبت خود را به قبیله طئی رسانید و خود را «طائی» نامید. دیوان شعر او از بهترین دواوین شعر عربی دانسته شده است که شامل مدیح، مراثی، معاتبات، وصف، غزل، مفاخره، وعظ، زهد و هجاست و برخی از اعظام ادبای قدیم و جدید به شرح و تفسیر اشعار او و مقایسه بین او و شاعران بزرگ معاصرش چون بحتری و متنبی پرداخته‌اند و برخی رقمی بالغ بر چهل و یک شرح بر کتاب الحماسه او بر شمرده‌اند که برخی از معاریف اهل فضل همچون مرزوقی اصفهانی (د. ۴۲۱ هـ) و ابوالعلائی معری (د. ۴۴۹ هـ) و اعلم شنتمری (د. ۴۷۶ هـ) و خطیب تبریزی (د. ۵۰۲ هـ) و ابن فندق (د. ۵۶۵ هـ) از جمله آنها بوده‌اند.

ابوتّمّام بنا به تحقیق آقای مهدوی دامغانی در مقدمه کتاب مانحن فیه شیعه امامی بوده است و اشعاری در این زمینه دارد لکن به شیوه معاصرانش به دربار خلفای عباسی راه یافته است و او معاصر پنج تن از این خلفاء از هارون الرشید تا الواثق بالله بوده است و — بنا به نوشته پسرش — خود در سال ۱۸۸ هجری در جاسم از توابع دمشق به دنیا آمده که مطابق اواخر دوره هارون بوده است و در میانسالی در ۴۳ سالگی در





خریداری کرده است و در کتابخانه شخصی خود نگهداری می‌کند و اکنون از روی این نسخ چاپ عکسی یا به اصطلاح نسخه‌برداری به قطع اصلی به وسیله مرکز پژوهشی میراث مکتوب چاپ و منتشر شده است که هدیه‌ای است بزرگ به دوستداران ادبیات عرب که اکنون نسخه منقح و تقریباً بی‌غلطی از این کتاب را در دست خواهند داشت.

ضمناً باید گفت که متأسفانه نسخه یزد که اکنون نسخه‌برداری آن چاپ شده است بین ۱۵ تا ۱۷ برگ افتادگی دارد که از روی مقایسه این نسخه با متن چاپ شده از روی نسخه استانبول معلوم شده است اما خط نسخ واضح و اعراب‌گذاری صحیح و بی‌غلطی نسبی آن جبران این کمبود را می‌کند.

این چاپ مزایایی هم دارد؛ نخست اینکه پیشگفتاری به قلم دانشمند متبحر در ادبیات عرب یعنی آقای احمد مهدوی دامغانی دارد که علاوه بر شرح مستوفایی از چگونگی نسخه یزد توضیحاتی درباره اشتباهات نسخه‌های یزد و استانبول و ایرادهایی بر حواشی و تعلیقات چاپ استانبول دارد که بر ارزش کتاب بسیار می‌افزاید و سپس پیوست‌های سودمندی در آخر کتاب آمده است که نخست فهرست ابیاتی است که نسخه یزد بر چاپ قاهره اضافه دارد که به پنجاه بیت می‌رسد و دوم فهرست ابیاتی است که چاپ قاهره بر نسخه یزد اضافه دارد که بالغ بر شانزده بیت می‌شود و سوم تصویر صفحاتی از چاپ قاهره که از نسخه یزد ساقط شده است که از صفحه ۱۵۷ تا ص ۱۹۰ ادامه دارد و پیوست چهارم شامل فهرست تطبیقی عناوین نسخه یزد با عناوین چاپ قاهره است که از صفحه ۱۹۱ تا ۲۲۸ کتاب آمده است.

کتاب با فهرس اشخاص، اقوام و قبایل و تیره‌ها، اماکن و ایام عرب پایان می‌یابد. ترجمه عربی مقدمه کتاب به قلم آقای آذرشب و ترجمه انگلیسی مقدمه نیز به قلم آقای امیدسالار در خاتمه کتاب آمده است.

کرده است و از هر شاعر چند بیتی که به نظرش مهم‌تر آمده، برگزیده و ذکر کرده است. اما اشعار کمتر شناخته شده شعرا را در آن کتاب نیاورده و آنها را در این کتاب تدوین کرده است. ظاهراً این کتاب به نام اختیارالمقطعات هم خوانده شده است یعنی انتخاب قطعات ولی چون مانند حماسه شامل اشعار معروف شعرای متقدم نبوده است چندان جلب توجه نکرده و از آن در منابع موجود یاد نشده است و به همین دلیل نسخه‌های آن نایاب است و تا این اواخر فقط یک نسخه از آن شناخته شده بود که شخصی به نام علی بن احمد بن ابی‌الجیش بوازیحی در آخر ماه ربیع‌الثانی سال ۶۳۷ هـ. آن را کتابت کرده و اکنون در کتابخانه سلطان احمد سوم در توپ‌قاپی‌سرای در استانبول نگهداری می‌شود و از روی همان در سال ۱۹۶۳ میلادی چاپی انتقادی به اهتمام عبدالعزیز میمنی و رجکوتی از دانشمندان بزرگ پاکستانی با همکاری محمود محمد شاکر در دارالمعارف قاهره چاپ شد که تعلیقات گرانبه‌ای دانشمند مذکور بر ارزش آن بسیار افزوده است.

اما اکنون نسخه دیگری از این کتاب در یزد پیدا شده است که شخصی به نام ابوالفرج بن ابی‌المعالی بن ابی‌الفرج آن را در شوال ۵۵۰ نوشته است یعنی ۸۷ سال پیش از نسخه استانبول و ضمناً کاتب این نسخه خود مردی دانشمند بوده است که آن را برای خود استنساخ کرده و حواشی متعددی بر آن افزوده است که غالباً از افادات دانشمندی دیگر به نام یا شهرت «اوحد» بوده و این اوحد استاد ابوالفرج و خود از شاگردان بلافضل ابومنصور مدهوب بن احمد بن محمد جوالیقی بوده است که کتاب معروف المعرب عن الکلام الاعجمی را نوشته است (د. ۵۴۰ هـ. در بغداد) و در چند جای این نسخه قید شده است که اوحد از جوالقی چنین نقل کرده است (جوالقی ظاهراً صورت صحیح‌تر جوالیقی است ولی جوالیقی در نام او معروف‌تر است).

این نسخه را آقای دکتر وحید ذوالفقاری از قهوه‌خانه‌ای در جنب مسجد جامع یزد که ضمناً عتیقه‌فروش هم هست

## چون من در این دیار

سپه‌یلا یوسفی\*

دلنشین در کتاب‌ها و مقالات است که امروزه سوگمندان به بهانه «اثر علمی و تحقیقی بودن» و ده‌ها بهانه دیگر از جامعه دانشگاهی و ادبی رخت بر بسته است.

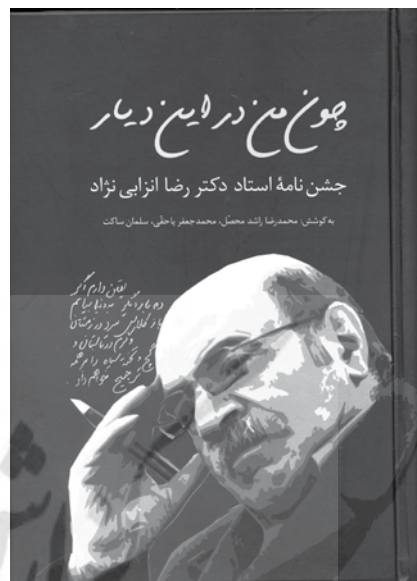
چون من در این دیار عنوان جشن‌نامه‌ای است که گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی (قطب علمی فردوسی‌شناسی) به کوشش و خواستاری دکتر محمدرضا راشد محصل، دکتر محمدجعفر یاحقی و سلمان ساکت برای او فراهم آورده است. در مقدمه کتاب می‌خوانیم:

«چون من در این دیار» را از حافظ به وام گرفتیم برای عنوان جشن‌نامه دکتر رضا انزابی‌نژاد، آموزگار پژوهنده‌ای که از آذربایجان برخاست و تا خراسان را درنوردید تا در این سرزمین اهورایی چراغداری کند با جهانی یکرنگی و یکدلی و مهرآوری، نه یک سال و دو سال که ده‌ها سال؛ نه در یک جا و دو جا، که در چندین شهر از تبریز و گناباد و نیشابور گرفته تا تهران و مشهد.

این کتاب در هشت بخش تنظیم شده است که بخش نخست با عنوان «سخن آشنا» دربردارنده سال‌شمار زندگی استاد و کتاب‌شناسی تفصیلی آثار ایشان، شامل کتاب، مقاله، میزگرد و پایان‌نامه‌های هدایت‌شده است. در این بخش استادان و دوستانی چون دکتر منصور ثروت و دکتر بهروز ثروتیان و نیز شاگردانی چون اصغر ارشاد سرابی و حمیدرضا آژیر قلم‌فرسایی کرده‌اند. در این میان نوشته دکتر ثروت با نام «از یادگاران یار مهربان»، رنگ و بویی دیگرگون دارد چرا که افزون بر بیان خاطراتی زیبا و جذاب، هنر و استعداد استاد را در داستان‌پردازی از خلال مقدمه‌های کتاب‌های وی معرفی و بررسی کرده است.

بخش دوم «زبان خموش ولیکن» نام دارد که با مقاله «باقوت زکات» از استاد محترم، دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی آغاز می‌شود. دیگر مقالات این بخش عبارتند از: «کاغذین جامه، پیراهن کاغذین (از آیین تا کلمه)»، دکتر محمود

چون من در این دیار، جشن‌نامه استاد دکتر رضا انزابی‌نژاد، به کوشش محمدرضا راشد محصل، محمدجعفر یاحقی، سلمان ساکت، تهران: سخن، ۱۳۸۹، ۶۵۶ صفحه



نام دکتر انزابی‌نژاد در عرصه پژوهش‌های ادبی نامی‌ست آشنا. مردی که هرچند در تبریز به دنیا آمده است، سال‌های زیادی از دوران بالندگی و فروزندگی خود را در خراسان و مشهد سپری کرده است — چه در جوانی و در جامعه آموزشی، چه در میان‌سالی و در کسوت استادی — او در زمره استادانی است که هم کلاس‌های درس سودمند و پربراری داشته و هم در عرصه‌های مختلف پژوهشی، از تصحیح و ترجمه و تألیف، کارنامه‌ای درخشان بر جا گذاشته است. آن یکی را شاگردان بسیارش که امروزه در سراسر ایران پراکنده‌اند، گواهی می‌دهند و این دیگری را آثار ماندگار و جاودانش چون تصحیح مقامات حمیدی، ترجمه فرهنگ الرائد و ترجمه ثمارالقلوب ثعالبی.

از مهمترین ویژگی‌های معلمی‌اش نظم، سخت‌گیری، دقت، باریک‌بینی، جدیت و البته مهربانی است و از اساسی‌ترین خصیصه‌های پژوهندگی‌اش به کاربردن نثری زیبا، شاعرانه و

\* دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه فردوسی مشهد

چیت‌سازی و «بازخوانی راز یک عشق در آثار هدایت» دکتر ابراهیم رنجبر.

بخش هفتم با نام «آویزه» مقاله‌ای مفصل و جالب توجه از محمدحسین ساکت با عنوان «وامستانی واژگانی» است که واژه‌های مهاجر در زبان تازی را که به زبان‌های دیگر مانند انگلیسی، اسپانیایی، پرتغالی، فرانسوی، یونانی و حتی چینی رفته است، معرفی و بررسی کرده است.

بخش پایانی کتاب «تصاویر» است که دربردارنده نمونه‌ای از دست‌خط استاد — که نامه‌ای است از سوی ایشان به گروه آموزشی — و عکس‌های ایشان در سنین مختلف است. شاید خواندن بخشی از دست‌خط استاد و نامه از سر عشق و شور و احساس خالی از لطف نباشد:

به نام خدا

ریاست محترم دانشکده ادبیات و علوم انسانی

با احترام دیروز جمعه، ۱۲ مرداد ۱۳۸۰ سری گردانیدم و نگاهی به پس‌پشت افکندم. خطی دیدم به درازای چهل و یک سال و نه ماه و چند روز؛ در تأمل و تنهایی خود به این راه دراز اندیشیدم. چهل و یک سال و نه ماه و چند روز عاشقانه رفتن و دویدن و افتادن و برخاستن... اما همیشه و هر دم عاشقانه رفتن، و راهی را سپردن که رد پای پیامبران و پاکان و نیکان را جسته‌ام و دیده‌ام...

تمام دیروز پوشه‌های بسیار را گشتم تا نخستین حکم استخدامم را پیدا کنم. نیافتم؛ اما هزاران حکم و ابلاغ و برگ و برگچه نقل و انتقال و تقدیر و... یافتم.

...یقین دارم اگر ده بار دیگر به دنیا بیایم و در انتخاب‌ده‌ها شغل و شیوه آسان و پر حشمت و درآمد مخیرکنندم، باز کلاس سرد در زمستان و گرم در تابستان و گچ و تخته سیاه را بر همه ترجیح خواهم داد.

به هر روی هر راهی پایانی دارد و هر رفتن و دویدنی به نقطه‌ای می‌رسد. این ناموس هستی است و کس را از آن گریز و گزیری نیست. اینک پس از چهل و یک سال و نه ماه و چند روز درخواست بازنشستگی می‌کنم، اما یقین دارم که دل از درس و کلاس و دانشجو نخواهم برید.

با احترام، رضا انزایی نژاد

عابدی؛ «خاقانی و کاربرد الفاظ در معانی غریب»، دکتر عباس ماهیار؛ «نقل قول مفسران درباره شق القمر»، علیرضا ذکاوتی قراگزلو؛ «مآخذ و گویندگان اشعار عربی منشآت خاقانی»، دکتر حامد خاتمی‌پور؛ «صنوان و غیر صنوان»، دکتر بهرام گرامی؛ «واژه فقیه و یکی از معانی آن در نگارش‌های تازی و پارسی»، جویا جهانبخش و «تأمل در چند موضع جغرافیایی تاریخ جهانگشای جوینی»، مهدی سیدی.

بخش سوم با نام «کیمیای مراد» به مقالات حوزه اسطوره‌شناسی، ادبیات حماسی و شاهنامه اختصاص دارد که عنوان برخی از مقالات آن عبارت است از: «از اژدهای سه‌سر اوستا تا جبار سه‌سر در گزارش یاقوت حموی»، دکتر چنگیز مولایی؛ «کاربرد نادری از مصدر خوستن در زبان پهلوی»، دکتر مهشید میرفخرایی؛ «نکات مشترک در زندگی زردشت و ابراهیم خلیلی»، دکتر محمدتقی راشد‌محصل؛ «اندیوشهر، سروستان، گندشاپور، سوراب»، ابوالفضل خطیبی؛ «رویارویی و نبرد دو خویشاوند نزدیک در روایات پهلوانی ایران»، دکتر سجاد آیدنلو.

بخش چهارم با عنوان «گشاد کار مشتاقان» با مقاله ارزشمند «سه مسمط تازه از مسعود سعد» از دکتر علی اشرف صادقی آغاز می‌شود. دیگر مقاله مهم و درخور توجه این بخش «شمس تبریزی هندوستان» از ولادیمیر ایوانف است که به ترجمه دکتر پرویز ادکایی در این مجموعه به چاپ رسیده است.

بخش پنجم «صحبت باغ و بهار» نام دارد که مهم‌ترین مقالات آن عبارت است از: «سبک چیست؟»، دکتر محمود فتوحی؛ «قافیه از نگاهی دیگر»، دکتر علیرضا مظفری؛ «تحلیلی توصیفی از کاربردهای عناصر اسلامی در شعر رودکی»، دکتر عبدالله رادمرد؛ «شهر پاکان اقبالنامه و بازخوانی حکیمانۀ نظامی از بن‌مایه‌ای عارفانه»، دکتر فرزاد قائمی؛ «تاریخ بیهقی و کلیله و دمنه»، دکتر محمدجعفر یاحقی.

بخش ششم به ادبیات معاصر و ویژگی یافته و «نسیم صبح سعادت» نام گرفته است و مقالات آن عبارت است از: «باز یادی از شهریار»، دکتر توفیق سبحانی؛ «گویند که امید و چه نومید!...»، دکتر محمدرضا راشد‌محصل؛ «نقد و بررسی محتوای ادبیات داستانی کودک در دهه هفتاد در گروه‌های سنی الف، ب، ج»، دکتر مه‌دخت پورخالقی چترودی و الهه

## درباره کتاب سراج السائرین

ندا سقایی

عمر را در بطالت و خوش گذرانی سپری کرد. اما در طی یک تحول روحانی از دنیای بی بندوبار خویش توبه کرد و به تصوف پناه برد. در این مدت به کسب علم و معرفت روی آورد و با قرآن و حدیث آشنایی یافت. او که به کوه‌های نامق رفته بود، پس از دوازده سال ریاضت و خلوت‌نشینی در حالی که حدود چهل سال از عمرش می‌گذشت از عزلت کوهستان بیرون آمد و شروع به وعظ و ارشاد مردم کرد. مریدان بسیاری گرد او جمع شدند. سلطان وقت — سلطان سنجر — در حق وی اعتقاد تمام داشت. زهد، سادگی و صراحت کلام شیخ احمد جام موجب نفوذ روحانی او در دل دیگران بود. او مانند خواجه عبدالله انصاری، طریقت را با شریعت جمع می‌نمود و حفظ شریعت از اصول تعالیم او به‌شمار می‌آمد که این امر یادآور طریقه قشیری و امام محمد غزالی — در اواخر عمر — نیز بود. خانقاه او در معدآباد، در نزدیکی جام، یکی از مراکز فعال تصوف خراسان به‌شمار می‌آمد. او سفرهایی به نقاط مختلف کرد و در این سفرها بود که نفوذی در طبقات مختلف به‌وجود آورد و مردمانی به گرد او آمدند. رابطه او با معاصرانش قابل تأمل و بررسی است. از دلایل گسترش حکایات و روایات پیرامون کرامات وی، طول عمر، نیز کثرت مریدان و فرزندان بود. او در نود و شش سالگی پس از بازگشت از سفر حج در سال ۵۳۶ در خانقاه خود درگذشت. آرامگاهش زیارتگاه معتقدانش شد و به «تربت شیخ جام» معروف شد.

افکار و آراء عرفانی احمد جام را می‌توان از طریق نوشته‌هایش دریافت. کلام او ساده، قاطع و واعظانه است. همه آثار او منشور است و جز بعضی از قطعات و رباعیات، از شعر وی چیزی باقی نمانده است. البته دیوانی به او منسوب است که از وی نیست زیرا متضمن پاره‌ای از مضامین وحدت وجودی است که با طریقت و مشرب شیخ در التزام به شریعت مغایر است. شیخ احمد جام حدود چهارده جلد کتاب و رساله در آداب شریعت و طریقت و حقیقت تألیف کرد که می‌توان

سراج السائرین، احمد جام نامقی (ژنده پیل)، با مقدمه، تصحیح و توضیح حسن نصیری جامی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۹، شصت + ۴۸۰ ص.



ابونصر احمد بن ابی الحسن بن احمد بن محمد بن جریر بن عبدالله بن لیث بَجَلی نامقی جامی (۵۳۶ - ۴۴۰) معروف به پیر جام، شیخ الاسلام و ژنده پیل یکی از مشایخ بنام خراسان در عهد سلاجقه است. وی در قریه نامق از قراء ترشیز خراسان به دنیا آمد. دودمان او از نژاد عرب یمنی و از اعقاب جریر بن عبدالله بَجَلی — صحابی معروف — بودند. از دوران کودکی او اطلاع زیادی وجود ندارد جز اینکه خانواده‌اش از زارعان ساده‌دل آن دیار بودند. او در دوره کودکی خواندن و نوشتن نیاموخت و تا سن بیست و دو سالگی آنچنان که خود می‌گوید



کتاب سراج‌السائرین را می‌توان اثری اخلاقی و اجتماعی دانست که در آن بعضی از مسائل و دغدغه‌های آن عصر، بخصوص در حوزه عرفان و تصوف و نظام خانقاهی خراسان، بروز یافته است. کتاب در اصل دارای چهار مجلد بوده است که یک مجلد آن در فترت چنگیز از بین رفته و سه مجلد دیگر در هفتاد و پنج باب تا قرن نهم و زمان تألیف خلاصه‌المقامات (سال ۸۴۰) موجود بوده ولی پس از هجوم‌ها و ایلغارها تنها بیست و چهار باب - قریب به یک سوم - باقی می‌ماند که در نسخه‌ای یگانه در کتابخانه ملک - وابسته به کتابخانه آستان قدس رضوی - موجود است.

این اثر را از نظر تاریخی اولین اثر احمد جام نمی‌دانند، اما معتقدند که اولین اثر تاریخ‌دار اوست؛ چنانچه خود نویسنده تصریح می‌کند سراج‌السائرین حاصل تجربیات عرفانی و الهامات غیبی است. موضوعات آن متنوع است. شیخ جام از مسائل عرفانی و روحانی گرفته تا مسائل اجتماعی را با کلامی زیبا و واعظانه، مستدل به آیات و اخبار و آراء عارفانه-زاهدانه بیان می‌کند. بنا بر ضرورت و اهمیت آن موضوعات و بر اساس توجه شیخ به مسائل، حجم مطالب باب‌ها متفاوت است. این بیست و چهار باب در بیان فرق‌ها و تفاوت‌هاست؛ مثلاً:

باب اول «در فرق میان حال و محال»؛ باب دوم «در فرق میان آسایش خلق و هوی پرستی»؛ باب سوم «در فرق میان خانقاه‌داری و دکان‌داری»؛ باب چهارم «در فرق میان پیری و خواجگی جستن»؛ باب پنجم «در فرق مریدی و کاهلی و بی‌کاری» و...

وی در این باب‌ها، ابتدا به توضیح هر یک از دو مؤلفه متفاوت می‌پردازد و سپس با اشاره به آیات، اخبار، امثال و حکایات، فاصله‌ها و تفاوت‌های آن مقوله‌ها را در سلوک دینی و عرفانی و تعاملات اجتماعی برمی‌شمارد. او می‌خواهد به خصلت «سراج» به روشنی و وضوح، به نقد راستی و ناراستی بپردازد. در اول هر باب مجموعه‌ای از القاب و عناوین برای شیخ ذکر شده که به احتمال زیاد این قسمت‌ها الحاقی است و آن را مریدانی که به کتابت سخنان شیخ در مجلس و عطا می‌پرداختند بدان اضافه کرده‌اند.

نثر سراج‌السائرین از نمونه‌های نثر مرسل دوره غزنوی و سلجوقی و متأثر از سنت مجلس‌گویی و خطابه‌های منبری است که حدود چهارصد سال پیش از شیخ جام سابقه داشته است.

به مفتاح‌النجات (۵۲۲)، روضة‌المذیبین (۵۲۰)، سراج‌السائرین (۵۱۲)، انس‌التائبین، رساله سمرقندیه، کنوز‌الحکمه (۵۳۳)، بحار‌الحقیقه (۵۲۷) را نام برد. بسیاری از آثار دیگر او همچون مفتاح‌القلوب، فتوح‌الروح، تذکیرات، اعتقادنامه، زهدیات و بخش مهمی از اشعار و دیوانش در گذر زمان و آشفتگی‌های روزگار از میان رفته و تنها نامی از آنها برجای مانده است.

درباره احمد جام کتاب‌هایی پرداخته‌اند مانند نور‌الحقایق از پسرش ظهیرالدین عیسی، رساله‌ای از پسر دیگرش شهاب‌الدین اسمعیل، مقامات سدیدالدین محمد بن موسی بن یعقوب غزنوی، خلاصه‌الحقایق از عمادالدین فاریابی، مقامات از رضی‌الدین علی بن ابراهیم بن الیاس تایبادی، مقامات از احمد ترخستانی، خلاصه‌المقامات از ابوالمکارم بن علاء‌الملک جامی، مقامات از درویش علی بوزجانی، مقامات از تاج‌الدین محمود بوزجانی و منظومه‌ای از بهاء‌الدین جامی. بعضی از این کتاب‌ها از بین رفته‌اند و بعضی به چاپ رسیده‌اند. کتاب خلاصه‌المقامات ابوالمکارم در سال ۱۳۳۵ در لاهور چاپ سنگی و کتاب مقامات ژنده‌پیل به کوشش حشمت موید سنندجی در سال ۱۳۴۵ در تهران چاپ شده است. مقامات ژنده‌پیل، اثری است مشحون از غلو و خرافات درباره کرامات شیخ که یکی از مریدان ساده‌اندیش و خوش‌باور او آن را در اثبات بزرگی شیخ جام نوشته است.

شکی نیست که از طریق خود آثار شیخ می‌توان چهره واقعی او را شناخت و حقیقت احوال و آراء او را از میان تصاویر مبالغه‌آمیز و احتمالاً نادرست راویان و مقامات‌نویسان پیدا کرد. علاوه بر این، مطالعه آثار او مانند بررسی زندگی و اندیشه دیگر بزرگان تصوف یکی از راه‌های استخراج تاریخ فکر و تاریخ اجتماعی-فرهنگی ایران است که از این رهگذر می‌توان به مصداق حقیقی تاریخ، به معنای امروزین، که آگاهی از زندگی عامه مردم و اوضاع و احوال اجتماعی است دست یافت.

این امر شاید یکی از دلایلی است که حسن نصیری جامی برای تصحیح سراج‌السائرین داشته است. زیرا با ارائه این اثر شیخ جام حقیقی را می‌توان فارغ از شیخ جام ساخته و پرداخته کرامت‌باقران و مقامات‌نویسان شناخت. پیش از این، نصیری جامی کتاب کنوز‌الحکمه شیخ جام (۱۳۸۷)، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی) را در کارنامه خود ثبت کرده بود.

کتاب شامل پیشگفتار و مقدمه مصحح، متن، توضیحات و فهرست‌ها (فهرست آیات، فهرست احادیث، فهرست امثال، فهرست اشعار، فهرست اعلام، فهرست اصطلاحات مهم خانقاهی، فهرست اصطلاحات و ترکیبات مهم، راهنمای تعلیقات و فهرست منابع و مأخذ) است. نصیری جامی مقدمه‌اش را در پنج بخش نوشته است:

بخش اول مقدمه تأملی است بر ساختار کتاب سراج‌السنائرین؛ در این بخش موضوع، هدف مؤلف از تألیف کتاب، تاریخ نگارش و... بیان می‌شود. ساختار کتاب با کتاب‌های دیگر شیخ مقایسه می‌شود. در همین بررسی‌ها به این احتمال می‌رسد که مقدمه اثر بعدها به آن اضافه شده است. اما چون اساس کار مصحح مبتنی بر تک‌نسخه بوده است از اظهار نظر قطعی پرهیز می‌کند.

بخش دوم جلوه‌هایی از مجلس گویی و نثر شیخ جام را بازگو می‌کند؛ این نثر آمیزه‌ای است از جملات واعظانه و سرشار از تحذیر و انذار با نثر شاعرانه و ذوقی. مصحح به نموده‌های این اسلوب ادبی می‌پردازد که شامل خطاب‌ها و تحذیرها، خوداتهامی‌ها، تکنیک‌های کلامی شیخ، توجه او به زبان ادبی و سخن‌آفرینی، ظرافت او در به‌کاربردن آیات و اخبار، ترجمه‌های زیبا و استفاده از اشعار، امثال و حکایات است.

بخش سوم در خصوص پیام‌های اخلاقی و اجتماعی شیخ است. مصحح معتقد است که این کتاب جنبه اجتماعی و اخلاقی پرتأثیری دارد. شیخ احمد جام همچون یک مصلح اجتماعی به مسائل این حوزه‌ها توجه دارد چنانکه می‌توان این اثر را یک نصیحت‌نامه اجتماعی و اخلاقی منسجم دانست. پس، مصحح به مهم‌ترین رویکردهای شیخ در این زمینه که درباره توبه، نیت نیک، توجه به عقل و علم در زندگی، خدمت به خلق و دوری از ریا است می‌پردازد.

بخش چهارم جانب اجتماعی سراج‌السنائرین را بررسی می‌کند. این اثر اگرچه یک اثر تاریخی و اجتماعی نیست ولی در میان مطالب واعظانه و عارفانه‌اش نکاتی دارد که باعث شناخت تاریخ اجتماعی ایران آن دوره می‌گردد. پس، مصحح به تشریح اوضاع و احوال عصر شیخ می‌پردازد. نصیری جامی به مطالب خود کتاب استناد می‌جوید و دغدغه‌های اجتماعی شیخ را شامل نگرانی او نسبت به دنیاجویی و حرص

و طمع دنیامداران، غفلت از دین‌ورزی، ترس اجتماعی و وحشت از صاحب‌منصبان اهل دنیا، گسترش نفاق، دورویی، حرام‌خواری، آزار اهل ایمان و تحقیر اهل توبه، شکم‌بارگی صوفیان، دنیا دوستی علما و مشایخ، نااهلی مریدان و ناخلفی پیران می‌داند. مصحح از غربت اندیشه شیخ در بخشی از اقلیم باورها و نظام خانقاهی خراسان سخن می‌گوید و معتقد است که حقیقت تعالیم و سلوک او را مریدان معاصرانش نفهمیدند و با ساختن حکایات غلوآمیز و سخنان نامعتبر در حق شیخ جور و جفا کردند.

بخش پایانی در باب «معرفی نسخه و روش تصحیح» است. نسخه خطی کتاب سراج‌السنائرین به خط نستعلیق خواناست. متأسفانه نام کاتب و تاریخ کتابت آن از بین رفته است.

اما از قرائن برمی‌آید که نسخه مربوط به قرن ده باشد. مصحح تصویر صفحات اول و پایانی نسخه را ضمیمه این بخش کرده و ویژگی‌های آن را برمی‌شمرد. لغات و عبارات خاص شیخ را با مراجعه به آثار دیگر او توضیح داده و با ملاحظه کاربردها و عبارات مشابه، این موارد را در پاورقی و توضیحات متن آورده است. او توضیح می‌دهد که در نهایت، موارد مبهم‌مانده را در پاورقی‌ها متذکر شده و در مواردی که عبارات نارسا می‌نمود و حرف یا واژه‌ای به اقتضای معنی از اصل ساقط شده بود به روش و ضرورت تصحیح آن واژه را بین دو قلاب [ ] افزوده است.

در قسمت توضیحات، مصحح به توضیح ضرب‌المثل‌ها، کنایه‌های ادبی، تفسیر آیات، احادیث و ذکر تلمیحات و داستان‌ها، بیان معانی لغات و اصطلاحات و معرفی و توضیح اشخاصی که نامشان در کتاب آمده است می‌پردازد.

فهرست‌های نه‌گانه کتاب شامل موارد زیر است:

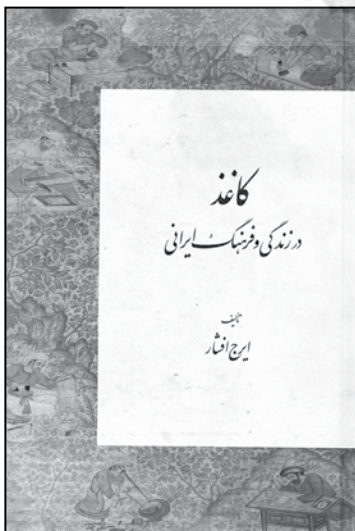
فهرست آیات قرآن، فهرست احادیث قدسی و نبوی، اخبار، آثار و اقوال؛ فهرست امثال و سخنان بزرگان؛ فهرست اعلام، شامل نام اشخاص، قبایل، مناطق جغرافیایی و کتاب‌ها؛ فهرست اصطلاحات خانقاهی؛ فهرست اصطلاحات و ترکیبات مهم؛ راهنمای تعلیقات و فهرست منابع و مأخذ.

در بررسی تطبیقی عناوین فهرست با عناوین داخل کتاب عناوین باب‌های هفت، نوزده و بیست به صورت مختصر آمده است. از آنجا که عنوان تمام باب‌ها طولانی است و این باب‌ها

راهنمای توضیحات» عنوان این بخش شود. در فهرست منابع و مأخذ، مشخصات چاپی کتاب‌ها آمده است. چنانچه معمول و مرسوم است نام شهر محل چاپ یکی از بخش‌های این اطلاعات است. این کار در بعضی از آنها صورت گرفته و در بعضی نه. این به علت اشتباه نام و محل انتشارات نبوده است زیرا مثلاً در جایی در کنار نام انتشاراتی معروفی نام محل و شهر ذکر شده و در جای دیگر نیامده که به نظر می‌رسد بیشتر از سر بی‌دقتی باشد.

در مقدمه جای بخشی درباره زندگی احمد جام خالی است. از آنجا که مصحح کار خود را در ادامه کار دکتر علی فاضل می‌داند و ایشان در کتاب شرح احوال و نقد و تحلیل آثار احمد جام مفصلاً به موضوعاتی چون اصل و نسب شیخ، بدایت احوال، تحصیلات، سفرها و مذهب او پرداخته، شاید از آوردن مطالبی در این باره پرهیز کرده است. در مقدمه هر آنچه درباره کتاب گفته شده به قسمت‌هایی از خود متن ارجاع داده شده و عیناً نقل شده است که این موجب اعتماد خواننده به نظر مصحح و نوع استنباط او از متن می‌شود ■

فقط چند کلمه بیشتر دارند، پسندیده‌تر آن بود که عنوان آنها هم کامل بیاید. پس اگر عنوان باب هفتم که «در فرق میان کسب‌کننده به هوی و...» است «در فرق میان کسب‌کننده به هوی و کسب‌کننده به حجت»، عنوان باب نوزده که «در فرق میان نَمّامی کردن و...» است «در فرق میان نَمّامی کردن و نصیحت‌گفتن»، عنوان باب بیست و دوم که «در فرق میان حریصی بر کار دنیا و...» است «در فرق میان حریصی بر کار دنیا و ریاضت نفس» می‌شد، فهرست ابواب کمتر مبهم می‌بود. اما در عناوین فهرست‌هایی که مصحح فراهم آورده است عدم تطابق این عناوین با داخل متن دیده می‌شود؛ مثلاً در فهرست‌ها آمده: «فهرست احادیث» ولی در متن شده: «فهرست احادیث (قدسی و نبوی)، اخبار، آثار و اقوال»؛ در عنوان فهرست آمده «فهرست امثال» در متن شده «فهرست امثال و سخنان بزرگان». «فهرست راهنمای تعلیقات» هم کمی مبهم است زیرا اصطلاح «توضیحات» به جای «تعلیقات» استفاده شده و در آن لغات و اصطلاحات، ترکیبات و اسامی که در توضیحات به آنها پرداخته شده آمده است. پس بهتر می‌بود «فهرست



## برگزیده هفدهمین دوره جایزه کتاب فصل

بهار ۱۳۹۰

### کاغد در زندگی و فرهنگ ایرانی

تألیف زنده یاد استاد ایرج افشار